

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی

محمد کریمی^۱

سید مهدی موسوی^۲

حمیرا عمرانی نژاد^۳

چکیده

بحران‌های اجتماعی ازجمله مسائل پیچیده و چالش برانگیزی هستند که نه تنها ثبات و پویایی جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه بازتابی از شکنندگی ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز محسوب می‌شوند. این بحران‌ها در اشکال مختلفی ازجمله اعتراضات مدنی، نابرابری‌های فزاینده، بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی، فروپاشی همبستگی اجتماعی و حتی فجایع زیست محیطی بروز می‌کنند؛ ازاین‌رو، شناسایی و درک ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مؤثر ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه حاضر با هدف تجزیه و تحلیل بحران‌های اجتماعی از طریق بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها و با رویکرد کیفی انجام شده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که شناخت ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران اجتماعی تا چه اندازه می‌تواند بر جلوگیری از فروپاشی نظم جوامع و ناپایداری اجتماعی اثرگذار باشد؟ داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۰ نفر از کارشناسان علوم اجتماعی، جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران (نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری) گردآوری شد. (جدول مصاحبه به پیوست است) تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمونی (به شیوه براون و کلارک، ۲۰۰۶) شامل مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بحران‌های

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حفاظت اطلاعات دانشکده علوم و فنون فارابی. (نویسنده مسئول)

kosarjami73@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حفاظت اطلاعات دانشکده علوم و فنون فارابی

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حفاظت اطلاعات دانشکده علوم و فنون فارابی

اجتماعی را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی نمود. این محورها به ترتیب اولویت شامل مشکلات اقتصادی، مشکلات سیاسی و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. **واژگان کلیدی:** بحران اجتماعی، ابعاد بحران اجتماعی، مؤلفه بحران اجتماعی، شاخص بحران اجتماعی

مقدمه

در دهه‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران با چالش‌های متعددی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روبرو بوده که این چالش‌ها زمینه‌ساز تحولات عمیقی در ساختار اجتماعی و امنیتی کشور شده‌اند. اعتراضات صنفی، مطالبات مردمی و ناآرامی‌های گسترده به‌طور مکرر رخ داده و تفسیر این رویدادها میان گروه‌های مختلف داخلی و خارجی اختلاف نظرهای جدی ایجاد کرده است. در داخل کشور، این وقایع اغلب با عنوان‌هایی چون «اغتشاش» یا «فتنه» نام‌گذاری و از منظر امنیتی مدیریت می‌شوند، درحالی‌که مخالفان و برخی قدرت‌های خارجی آن‌ها را «بحران مشروعیت» یا «انقلاب مردمی» توصیف می‌کنند. این تفاوت در برچسب‌زنی و رویکردها، خلأ بزرگی در گفتمان امنیتی ایران پدید آورده و موجب شده بسیاری از مسائل اجتماعی به جای تحلیل ریشه‌ای، با نگاه امنیتی و گاهی سلیقه‌ای بازتعریف شوند. نتیجه این رویکرد، مدیریت کوتاه‌مدت، پرهزینه و همراه با پیامدهای گسترده اجتماعی و سیاسی بوده است. تشخیص دقیق مرز میان بحران‌های اجتماعی و مسائل امنیتی از اهمیت راهبردی برخوردار است. این تمایز نه تنها مدیریت کارآمدتر بحران‌ها را ممکن می‌سازد، بلکه زمینه‌ای برای تدوین سیاست‌های بلندمدت، کاهش تنش‌های اجتماعی، کاستن از هزینه‌های امنیتی و تقویت انسجام ملی فراهم می‌کند. علاوه بر این، شناسایی مجموعه‌ای مشخص از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی می‌تواند به درک علمی‌تر این پدیده‌ها و ارائه راه‌حل‌های کاربردی منجر شود. در شرایط کنونی ایران که با فشارهای اقتصادی سنگین، تحریم‌های بین‌المللی و تنش‌های اجتماعی مداوم همراه است، نیاز به نگاهی علمی و تفکیک‌شده به بحران‌ها بیش از پیش احساس می‌شود. چنین نگاهی می‌تواند ابزاری مؤثر برای مدیریت بحران، کاهش تنش‌ها و ارتقای امنیت پایدار داخلی باشد. بحران به عنوان

پدیده‌ای که کارآمدی نظام حاکم را به چالش می‌کشد، همواره در تاریخ بشر وجود داشته است (بیکرانلو، ۱۳۹۵: ۱۸). بحران پدیده‌ای است که کارآمدی یک نظام را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که آن نظام در شرایط مفروض، با راه‌کارهای جاری قادر به پاسخگویی به مسائل و مشکلات پیش‌آمده نبوده و اولویت‌های سازمان یا نظام را مختل کرده و خود را در مرکز توجه نظام قراردادده و تلاش‌ها را متوجه خود می‌نماید (ساوه‌درودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳). پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی در ایران، به دنبال ارائه یک راه‌حلی است که نه تنها به تحلیل علمی شرایط موجود کمک می‌کند، بلکه چارچوبی عملی برای مدیریت بهینه بحران‌ها با توجه به واقعیت‌های اجتماعی و امنیتی کشور فراهم می‌سازد.

طرح مسئله

در دنیای امروز که شاهد افزایش چالش‌های کلان مانند تغییرات آب‌وهوایی، مهاجرت گسترده، قطبی شدن جوامع و ناآرامی‌های سیاسی هستیم، مطالعه بحران‌های اجتماعی و ارائه تحلیل‌های عمیق‌تر در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. اصولاً بحران‌ها در انواع و اقسام گوناگون همواره تأثیرات مهمی بر امنیت دارند. درواقع بحران‌ها از دیرباز جزء جدایی‌ناپذیر زندگی اجتماعی بوده‌اند و روزبه‌روز بر تعداد و تنوع آن‌ها افزوده شده است. این ظهور تدریجی بحران‌ها باعث شده تا در هر عصری بحران‌های ویژه بیشتری مدنظر قرار گیرند؛ بحران‌هایی که محصول عصر جدید هستند. بدین ترتیب به تدریج بر تعداد بحران‌ها افزوده شده است. جالب آنکه بسیاری از دستاوردهای علمی و فنی بشر نیز از نظر عدم قابلیت پیش‌بینی پیامدها و عوارض آن‌ها درنهایت به عوامل بحران‌زا تبدیل شده‌اند (Roshandel Arbatani et al: 2008, 25).

بحران‌های اجتماعی حرکت بخشی از توده در اعتراض به تأثیر یک وضعیت غیرقابل قبول در روند زندگی آن‌هاست که بیشتر ناشی از رواج بی‌عدالتی، بی‌قانونی، فقر، احساس فاصله بین غنی و فقیر است. دلایل اصلی این وضعیت بیشتر ناشی از ناکارآمدی مسئولین در اداره امور جامعه، نگاه یک‌جانبه تصمیم‌گیران به موضوعات توسعه، رشد شتابان اقتصادی اختلاف سلیقه بین نخبگان و گرفتارشدن در نظریه‌های سیاسی، تغییر هیئت حاکم و مواردی مانند آن است. بخش عمده بحران‌های اجتماعی

را می‌توان در عدم وجود رفاه اجتماعی و عدالت؛ به‌ویژه عدالت توزیعی خلاصه نمود. (ساوه‌درودی و عسگری، ۱۳۹۲: ۵۱)

این بحران‌ها معمولاً دارای ابعاد چندگانه‌ای هستند که شامل بُعد اقتصادی (مانند شکاف طبقاتی، بیکاری گسترده و فقر)، بُعد سیاسی (مانند ناکارآمدی دولت‌ها، نابرابری در دسترسی به قدرت و مشروعیت‌زدایی نهادهای حکومتی)، بُعد فرهنگی و اجتماعی (مانند کاهش همبستگی اجتماعی، تعارض فرهنگی و از دست رفتن سرمایه اجتماعی) و حتی بُعد زیست‌محیطی (مانند کمبود منابع یا تغییرات آب‌وهوایی که پیامدهای اجتماعی دارد) می‌شود. هر یک از این ابعاد به‌گونه‌ای در تضعیف یا دشوارتر شدن مدیریت بحران‌ها نقش ایفا می‌کنند، درحالی‌که در بسیاری از موارد، این ابعاد به هم متصل بوده و با یکدیگر تعامل دارند. به موازات ابعاد بحران، مؤلفه‌های اساسی آن نیز شامل علل ریشه‌ای، عوامل تسریع‌کننده و پیامدهای ناشی از آن است. درعین حال، محرک‌هایی نظیر تغییرات سیاسی ناگهانی، اعتراضات گسترده یا رخداد‌های طبیعی نیز می‌توانند بحران‌های نهفته را آشکار یا تسریع سازند. پیامدهای این بحران‌ها اغلب عمیق و چندبعدی هستند، از تخریب زیرساخت‌های اجتماعی گرفته تا آسیب‌پذیری بیشتر گروه‌های حاشیه‌ای و رشد نابرابری علاوه بر این، بحران‌های اجتماعی را می‌توان از طریق شاخص‌هایی قابل مشاهده و اندازه‌گیری تحلیل کرد. این شاخص‌ها شامل داده‌های اقتصادی (مانند نرخ بیکاری، خط فقر و ضریب جینی)، آمار اجتماعی (مانند میزان جرم و جنایت یا سطح اعتماد اجتماعی) و حتی نتایج کیفی نظیر ادراکات عمومی از میزان عدالت و امنیت در جامعه است. بررسی این شاخص‌ها امکان طبقه‌بندی بحران‌ها، شناسایی روندهای بحرانی و پیش‌بینی پتانسیل‌های ناآرامی در جوامع را فراهم می‌کند. بحران اجتماعی و امنیت در یک چرخه متقابل قرار دارند هر بحران اجتماعی امنیت را ضعیف می‌کند و هر ضعف امنیتی موجب تشدید بحران‌های اجتماعی می‌شود. برای کاهش تهدیدات علیه امنیت دولت‌ها باید به بحران‌های اجتماعی مانند فقر، نابرابری، فساد و آسیب‌های اجتماعی پاسخ‌های جامع بدهند و سرمایه‌گذاری جدی در تثبیت انسجام اجتماعی، مدیریت منابع و ایجاد عدالت اجتماعی انجام دهند.

اهمیت پژوهش

۱. پژوهش حاضر با شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی در ایران و ارائه یک راه حل، ارزش افزوده‌های متعددی ایجاد می‌کند که به ارتقای مدیریت اجتماعی و امنیتی کشور کمک شایانی می‌نماید.

۲. این پژوهش امکان تحلیل علمی و دقیق بحران‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد و چارچوبی عملی برای تفکیک این بحران‌ها از مسائل امنیتی ارائه می‌دهد. درنتیجه، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی می‌توانند راهبردهای بلندمدت و کارآمدتری تدوین کنند که مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی کشور باشد.

۳. موارد پیشنهادی، ابزاری مؤثر برای پیش‌بینی، پیشگیری و مدیریت بهینه بحران‌ها در اختیار نهادهای مسئول قرار می‌دهد و از این طریق، هزینه‌های اجتماعی و امنیتی را کاهش داده و انسجام ملی را تقویت می‌کند.

۴. این پژوهش با ایجاد پایه‌ای علمی برای گفتمان امنیتی، به همگرایی دیدگاه‌های داخلی کمک کرده و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شواهد می‌شود. خروجی‌های آن می‌تواند آگاهی عمومی را ارتقا دهد، گروه‌های آسیب‌پذیر را توانمند سازد و زیرساخت‌های لازم برای مواجهه هوشمندانه با چالش‌های آینده را تقویت کند.

۵. این مطالعه گامی مهم در جهت شکل‌گیری جامعه‌ای پویا، عادلانه و پایدار برمی‌دارد و به توسعه سیاست‌هایی منجر می‌شود که نه تنها تنش‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد، بلکه فرصت‌های تحول مثبت را نیز شناسایی و بهره‌برداری می‌کند.

ضرورت پژوهش

۱. در دنیای پیچیده و جهانی‌شدن امروز، ضرورت پرداختن به بحران‌های اجتماعی به علت پیامدهای مخرب و تسریع‌کننده‌ای است که در صورت عدم شناخت و مدیریت صحیح بحران‌های اجتماعی می‌توانند به ازهم‌گسیختگی انسجام اجتماعی، افزایش جرم و جنایت، گسترش فقر و نابرابری و ایجاد بی‌اعتمادی عمومی در جامعه منجر شوند.

۲. عدم مدیریت درست این بحران‌ها می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی، فروپاشی نهادهای اجتماعی و حتی تهدید امنیت ملی بینجامد.

۳. تحقیق و واکاوی بحران‌های اجتماعی از این منظر ضرورت دارد تا از گسترش پیامدهای منفی جلوگیری و از تبدیل مشکلات اجتماعی به چالش‌های غیرقابل کنترل پیشگیری شود.

پیشینه

قرآن کریم، سوره اعراف، آیه ۹۶؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ آل عمران، آیه ۱۴ و درآیات بسیار دیگری مصادیقی وجود دارد که به مسئله مدیریت بحران پرداخته است. خداوند برای پیشگیری از بحران‌ها که در دو قالب بلای کیفری و ابتلای امتحانی تحقق می‌یابد، از مؤمنان می‌خواهد که نماز آیات بخوانند و خدا را یاد کنند و یا استغفار کرده و تقوا پیشه کنند و حقوق مالی خود را ادا کنند تا گرفتار بلایای به ظاهر طبیعی چون خشک سالی و زلزله و سیل و آتش سوزی و مانند آن و یا ابتلائاتی چون کمبودها، جنگ‌ها، نقص در اموال و جان‌ها، فقدان امنیت غذایی و امنیتی روحی و روانی و مانند آن نشوند.

(طرهانی، ۱۳۹۸)، پژوهشی با موضوع ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی که در نشریه پدافند غیرعامل و امنیت، پژوهشی انجام شده که نتایج آن نشان می‌دهد در کلیه ابعاد شناخته شده بحران‌های اجتماعی مؤلفه عدم مدیریت داخلی نسبت به سایر مؤلفه‌های دیگر مهم‌تر و حائز اهمیت‌تر است. مؤلفه عدم مدیریت داخلی پاشنه آشیل بحران‌های اجتماعی است. این مهم همچنین در مدیریت بحران‌های اجتماعی نیز قبل، حین و بعد از وقوع بحران مانع از اقدام به موقع غیرنظامی و غیرامنیتی می‌شود. با این وجود به نظر می‌رسد انگشت مسئولین غالباً به سمت خارج از کشور نشانه می‌رود. حال آنکه بیش‌تر در نتیجه عدم مدیریت داخلی ایشان، حمایت و دخالت خارجی مجالی برای موج سواری پیدا می‌کند.

صالحی و همکاران (۱۴۰۰)، در نشریه مدیریت بحران، پژوهشی با موضوع ظرفیت سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع محور (بررسی نقش عوامل فرهنگی) انجام دادند که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از جمله تهدیدهای بالقوه‌ای که همواره سلامتی و دارایی افراد جامعه را مورد هدف قرار داده، وقوع حوادث و بلایای طبیعی است. بلایای طبیعی پتانسیل ایجاد بحران‌های بزرگ را به دلیل ضعف برنامه ریزی و آسیب پذیری بالای جوامع انسانی دارا هستند. از این رو سیاست‌گذاران و مسئولان کشور باید جهت رفع این

مشکل به رویکردهای نوین در حوزه مدیریت بحران ازجمله رویکرد اجتماع محور روی آورده و از طریق ظرفیت‌سازی جوامع محلی، میزان آسیب‌پذیری مناطق را در مقابل وقوع بحران کاهش دهند. مؤلفه آموزش و آگاهی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه در مدیریت بحران اجتماع محور شناسایی شده است. پس از مؤلفه آموزش و آگاهی مؤلفه‌های مشارکت عملی و اجتماعی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناسایی شدند.

ساوه‌درودی، مصطفی (۱۴۰۱): در کتاب هندسه امنیت در مدیریت بحران عنوان می‌دارد بحران در حوزه علوم انسانی بیشتر ناظر بر ناآرامی اثرگذار در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع است. در این بین جنگ به عنوان مهم‌ترین موضوع بحران در بستر تاریخ همیشه جایگاه خاص خود را داشته است. باوجوداین با گذشت زمان موضوع بحران امنیتی از ادبیات جنگی عبور و تمرکز خود را بر تحولات امنیتی جامعه قرار داد، به همین دلیل تعریف واژه بحران بسیار سخت و دشوار است. علت این دشواری در گستردگی اندیشه و برداشت انسان از یک موضوع و برداشت‌های امنیتی است درحالی‌که رویدادی که اندیشه یک فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد ممکن است برای دیگری هیچ ارزشی نداشته و دست‌کم اینکه قابل توجه نباشد.

پوراحمد، احمد و همکاران. (۱۳۹۵). مدیریت بحران در ایران. انتشارات دانشگاه تهران: بحران‌ها رویدادهای اجتماعی هستند که وضع اجتماعی عادی را شدیداً مختل نموده موجب نیاز به به‌کارگیری اقدامات غیرمعمولی برای انطباق با اختلال شده و امکانات اجتماعی ارزشمندی را در معرض خطر قرار می‌دهند. بحران‌ها موجب تلفات انسانی، خسارات مادی و اختلال اجتماعی می‌شوند. بحران صرف‌نظر از علت آن وضعیتی است با شدت و وسعت آن‌چنانی که توانمندی‌ها و امکانات داخلی قادر به پاسخگویی کافی به آن نیست. «اعلام وضع اضطراری» تابع منابع و امکانات داخلی و توان امداد رسانی سازمان‌های امدادی است. (ساوه‌درودی، م. حدادی، ۱۳۹۸: ۷۲). سخت‌ترین و توفنده‌ترین بحران‌ها، بحران‌های اجتماعی است که در قالب محورهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تقسیم می‌شوند. به‌طورمعمول تصور می‌شود که بحران‌های اجتماعی قبل از هر چیز باید شناخته شود. این شناخت مستلزم توجه به اعداد و ارقامی مانند نرخ رشد جمعیت، ترکیب سنی جمعیت، نرخ بیکاری، منحنی دوران

رشد کارخانه‌ها، نرخ رشد، درصد ترک تحصیل در مقاطع مختلف، ظرفیت پذیرش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نرخ رشد برخی از بیماری‌ها، نرخ رشد اعتیاد، نرخ خودکشی در مقاطع سنی و موقعیت اجتماعی و جنسیت است. بحران‌های اجتماعی در یک بستر آرام شکل گرفته و در ابتدا رنگ و بوی اعتراض در آن بیشتر به صورت گفتاری و در اعتراض به یک موضوع خاص مطرح می‌شود. این نوع از بحران‌ها تحت تأثیر شرایط حاکم بر جامعه و نارضایتی از یک اقدام دولتی و یا سازمانی نمود پیدا می‌کند و در صورت ادامه و عدم توجه به حل آن در قالب اعتراضات رفتاری مانند اعتصاب، تجمع خیابانی، شورش و آشوب نمود می‌یابد. این نوع بحران زمانی که به سطح آشوب می‌رسد از سطح بحران اجتماعی خارج و ورود به بحران سیاسی را تجربه می‌کند.

بر اساس نظریه محرومیت نسبی، بسیج گروه‌های اجتماعی در این احساس است که کمتر از آنچه حقشان است دریافت می‌کنند. مهم‌تر از واقعیت‌های عینی؛ وجود احساس روانی و ذهنی در این زمینه است. این ناامنی‌ها بیشتر ناشی از فاصله بین فقیر و غنی است. توده فرودست با مشاهده فشارهای اقتصادی وارده و مقایسه خود با دیگر طبقه غنی دست به اعتراض می‌زنند. ریشه اصلی و عوامل ایجاد این وضعیت بیشتر اوقات ناشی از ناکارآمدی مدیران و تصمیم‌گیران و بی‌توجهی آن‌ها به مسائل جامعه است. درک درست از واقعیت‌های اجتماعی و توجه به نیازهای توده در تمام نقاط کشور، پرهیز از یک‌سوگیری به حل مسائل، توجه به عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر با توجه به شرایط افراد از مهم‌ترین رویکردهای خروج از بحران‌هایی است که زیرساخت‌های آن را مشکلات اقتصادی تشکیل می‌دهد. به همین دلیل بی‌عدالتی را می‌توان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی دانست که بیشتر به عدالت اجتماعی مربوط می‌شود (ساوه‌درودی و عسگری، ۱۳۹۲: ۵۴).

چارچوب نظری

برابر بررسی این مقاله چارچوب نظری آن مبنی بر نظریه تضاد است. این نظریه یکی از نظریه‌های بنیادین در علوم اجتماعی است که بیان می‌کند جوامع همواره درگیر تضادها و کشمکش‌های میان گروه‌ها یا طبقات اجتماعی هستند. این نظریه بر اساس اندیشه‌های کسانی چون کارل مارکس و بعدها نظریه‌پردازانی نظیر ماکس وبر و رالف دارندورف توسعه

یافته است. این نظریه بر این باور است که نابرابری و تضاد میان گروه‌های مختلف اجتماعی موتور محرک تغییر، تحول و پیشرفت در جوامع است. این دیدگاه بر نقش قدرت، منافع و منابع در روابط اجتماعی و ساختارهای اجتماعی تمرکز دارد. این نظریه در تبیین موضوعات مختلفی چون نابرابری اقتصادی، نژادپرستی، جنسیت‌گرایی، اختلافات سیاسی و اجتماعی و حتی بحران‌های اجتماعی (مانند اعتراضات یا شورش‌ها) کاربرد دارد. نظریه تضاد می‌گوید که تا زمانی که منافع متضاد وجود دارد و توزیع منابع ناعادلانه باقی بماند، تضادها اجتناب‌ناپذیرند. در نظریه تضاد، کشمکش و تقابل به عنوان بخش طبیعی هر جامعه در نظر گرفته می‌شود و هرگونه تغییر اجتماعی اغلب از دل این تضادها و نبردها بیرون می‌آید. این دیدگاه تأکید می‌کند که نابرابری‌های ساختاری و قدرت نابرابر ریشه اصلی بحران‌ها و مسائل اجتماعی است. اصول اساسی نظریه تضاد عبارتند از:

۱. نابرابری در منابع و قدرت: این نظریه بیان می‌کند که در هر جامعه‌ای منابع (مانند ثروت، قدرت و موقعیت) به طور نابرابر توزیع شده‌اند. افرادی که به منابع بیشتر دسترسی دارند، قدرت را در دست گرفته و از آن برای حفظ وضعیت خود بهره می‌برند.

۲. تضاد بین طبقات یا گروه‌ها: جوامع انسانی بر اساس تضاد بین گروه‌های مختلف (مانند طبقات فرودست و فرادست، یا کارگران و سرمایه‌داران) شکل گرفته‌اند. این تضادها ناشی از توزیع ناعادلانه منابع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

۳. مداومت تضاد: تضاد در جوامع نه تنها عارضه‌ای موقتی نیست، بلکه جوامع بر محور این تضادها شکل می‌گیرند و از این رهگذر تحول پیدا می‌کنند. در این نظریه، تضاد به عنوان یک ویژگی همیشگی و ضروری جامعه شناخته می‌شود.

۴. تغییر اجتماعی به عنوان پیامد تضاد: تضادها و کشمکش‌های اجتماعی نیروی محرکه تغییر اجتماعی و تاریخی هستند. مارکس این تغییر را بیشتر به مفهوم «انقلاب» مطرح می‌کند که طی آن طبقات پایین‌تر تلاش می‌کنند تا نظم ناعادلانه را برهم بزنند. (کوزر لوئیس، ۱۳۸۰).

کارل مارکس^۱ نظریه تضاد را بر اساس تضاد طبقاتی تشریح کرد. او معتقد بود جوامع سرمایه‌داری بر اساس استثمار طبقه کارگر (پرولتاریا) توسط طبقه سرمایه‌دار (بورژوازی)

1. Karl Marx

ساخته شده‌اند. به اعتقاد مارکس طبقه کارگر مجبور است نیروی کار خود را بفروشد تا زنده بماند. طبقه سرمایه‌دار با کنترل ابزار تولید (مانند زمین، کارخانه‌ها یا فناوری) و با استثمار کارگران سود کسب می‌کند. این تضاد سرانجام به مرحله‌ای می‌رسد که پرولتاریا به خودآگاهی طبقاتی می‌رسد و انقلاب می‌کند تا یک نظم اجتماعی جدید (کمونیسم) را جایگزین نظم سرمایه‌داری کند. پس از مارکس، نظریه تضاد به روش‌های مختلف بازنگری و توسعه داده شد.

ماکس وبر^۱ تضاد را فراتر از تضاد طبقاتی و اقتصادی می‌دید و به مسائلی همچون تضادهای مبتنی بر قدرت، حیثیت و نابرابری‌های اجتماعی توجه کرد.

رالف دارندورف^۲ تأکید کرد که تضاد در همه بخش‌های جامعه، از جمله نهادهای غیراقتصادی (مانند دولت و خانواده) وجود دارد و پویایی جامعه را پدید می‌آورد.

با این وجود این نظریه بیش از حد بر نقش تضاد و کشمکش در جامعه تأکید دارد و به عوامل وحدت بخش و همبستگی اجتماعی توجه نمی‌کند. این نظریه گاهی در ارائه تعریفی دقیق از تغییر اجتماعی ناکام می‌نماید، چراکه تحول را حاصل صرفاً تضاد می‌داند. نظریه تضاد همچنان یکی از دیدگاه‌های کلیدی در جامعه‌شناسی است که به مطالعه نابرابری‌ها، تغییرات اجتماعی و نقش قدرت در شکل‌دهی روابط اجتماعی می‌پردازد. این نظریه ابزاری قدرتمند برای تحلیل نقدی جوامع پیچیده است که روابط میان گروه‌های مختلف و تأثیر ساختارهای اجتماعی بر زندگی افراد را روشن می‌سازد.

نظریه تضاد بحران‌های اجتماعی را نتیجه ساختارهای نابرابر و تضاد در منافع گروه‌های مختلف می‌داند. از دید این نظریه، بحران اجتماعی یک نشانه از ضرورت تغییر در ساختارهای موجود است و مدیریت آن نیازمند رفع ریشه‌های نابرابری و ایجاد عدالت اجتماعی است. در غیراین صورت، بحران‌ها می‌توانند نه تنها نظام اجتماعی را تهدید کنند بلکه به سقوط آن منجر شوند.

1. Max Weber

2. Ralph Dahrendorf

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر با انجام مصاحبه‌های عمیق و هدفمند با ۱۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران به دست آمده که نتایج حاصله با استفاده از روش تحلیل مضمونی (به شیوه براون و کلارک، ۲۰۰۶) شامل مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گرفت که پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل به شرح زیر است.

ابعاد بحران اجتماعی: بحران‌های اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی پیچیده و چندوجهی بررسی می‌شوند که به مسائل متنوعی همچون نابرابری اقتصادی، ضعف‌های سیاسی و تبعیض اجتماعی مرتبط هستند و زمانی رخ می‌دهند که نظام‌های اجتماعی (مانند: اقتصاد، سیاست، فرهنگ یا نهادهای اجتماعی) دچار اختلال یا فروپاشی موقت شوند. این پدیده معمولاً در شرایطی رخ می‌دهد که شکاف‌ها و نابرابری‌ها در یک جامعه به حدی برسد که نظم اجتماعی موجود نتواند پاسخگوی نیازهای عمومی باشد.

۱. بُعد اقتصادی (نابرابری و بیکاری) نابرابری اقتصادی: این مسئله یکی از مهم‌ترین ابعاد بحران‌های اجتماعی است. نابرابری در توزیع ثروت و دسترسی به منابع می‌تواند منجر به افزایش جرم، سوءاستفاده و کاهش ثبات اجتماعی شود. این نابرابری‌ها می‌تواند از طریق محدود کردن دسترسی به آموزش و شرایط شغلی مناسب، چرخه‌های معیوبی از فقر و محرومیت ایجاد کند. وقتی شکاف‌های اقتصادی میان طبقات مختلف جامعه اجتماعی می‌شوند و گروه‌های بزرگ‌تری از مردم به فقر می‌شوند، ممکن است نارضایتی عمومی و بحران‌های اجتماعی ایجاد شود. بیکاری، ازدست دادن فرصت‌های شغلی و کاهش سطح رفاه عمومی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی شود. همچنین تورم، بحران‌های مالی، کاهش ارزش پول ملی می‌تواند بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را تشدید کند.

۲. بُعد سیاسی (بی‌اعتمادی به حکومت) مسائل سیاسی: ضعف نهادهای حکومتی، فساد و عدم شفافیت در نظام‌های مدیریتی می‌تواند به عدم اعتماد مردم به نهادهای دولتی منجر شود. این نااطمینانی می‌تواند باعث افزایش ناامیدی و افزایش تنش‌های اجتماعی شود. در نتیجه، توان نهادهای اجتماعی در پاسخگویی به این بحران‌ها کاهش می‌یابد که خود موجب تشدید بحران‌ها می‌شود. بی‌اعتمادی به نهادهای حکومتی،

فقدان شفافیت، فساد، ناکارآمدی یا عدم پاسخگویی دولت می‌تواند به بی‌اعتمادی و بروز بحران‌های اجتماعی تبدیل شود. همچنین سرکوب سیاسی، سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقوق بشر نیز می‌تواند باعث ایجاد نارضایتی و اعتراضات اجتماعی شود. بی‌ثباتی سیاسی، تغییرات مداوم در حکومت‌ها و کودتاها می‌توانند سیاست اجتماعی و اقتصادی کشور را تحت فشار قرار دهند.

۳. بُعد اجتماعی و فرهنگی (شکاف‌های ارزشی) تبعیض و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی: بحران‌های اجتماعی نه تنها ناشی از نابرابری‌های اقتصادی هستند بلکه از تبعیض‌های نژادی و جنسیتی، خشونت و بی‌عدالتی‌های قضایی نیز نشئت می‌گیرند. تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌توانند تنش و تضاد بین گروه‌های مختلف ایجاد کنند که ممکن است به خشونت و ناآرامی‌های اجتماعی بینجامد. افزایش تنش‌های اجتماعی اختلافات طبقاتی، قومی، مذهبی یا نژادی می‌تواند به شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی منجر شود، به ویژه وقتی این تفاوت‌ها به طور سامانمند نادیده گرفته شده یا سرکوب می‌شوند. همچنین نظام آموزشی، نارسایی‌ها در نظام آموزشی نیز می‌توانند به نارضایتی و احساس بی‌امیدی در نسل‌های جوان و در نهایت بروز بحران‌های اجتماعی منجر شوند.

ابعاد بحران‌های اجتماعی

رتبه	ابعاد
۱	اقتصادی
۲	سیاسی
۳	اجتماعی فرهنگی

مؤلفه‌های بحران اجتماعی

بحران اجتماعی یکی از مسائل مهم در حوزه جامعه‌شناسی است که به وضعیت‌های ناپایدار و بحرانی اشاره دارد و عملکرد نهادها و انسجام جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بحران اجتماعی معمولاً زمانی پدید می‌آید که نظم اجتماعی مختل می‌شود و ساختارها و ارزش‌های اجتماعی توان مدیریت و پاسخ به مسائل پیش‌رو را ندارند.

۱. عدم مدیریت داخلی: در یک بحران اجتماعی، نهادهای اصلی مانند دولت، آموزش و پرورش، عدالت و خانواده ممکن است نتوانند نقش‌های خود را به درستی انجام دهند. این مسئله همراه با افزایش نارضایتی عمومی، باعث تشدید بحران خواهد شد؛ مانند عدم توانایی دولت در مدیریت منابع در زمان قحطی یا کنترل جمعیت در مواقع شورش یا تنش‌های اجتماعی.

۲. تحریم اقتصادی: سوءاستفاده کشورهای قدرت طلب با استفاده از ضعف مدیریت داخلی و انجام تحریم اقتصادی باعث نارضایتی و خشم عمومی با احساس نارضایتی عمومی و خشم شدید در میان اقشار مختلف جامعه همراه است. این خشم ممکن است به صورت اعتراضات گسترده، شورش‌ها یا تظاهرات ناگهانی بروز پیدا کند؛ مانند اعتراضات مردمی پس از افزایش شدید قیمت کالاها.

۳. عدم مدیریت؛ دولت و احزاب داخل کشور (ضعف نهادهای حکومتی، فساد و عدم شفافیت در نظام‌های مدیریتی): بی‌اعتمادی عمومی به نهادهای حکومتی و اجتماعی نیز از دیگر مؤلفه‌های کلیدی بحران‌های اجتماعی است. وقتی که مردم احساس کنند دولت، پلیس، یا دستگاه‌های اجرایی فاسد، ناکارآمد یا ناعادلانه عمل می‌کنند، میزان مشارکت آن‌ها در امور اجتماعی کاهش پیدا کرده و احتمال بروز اعتراضات و نافرمانی مدنی افزایش می‌یابد. فساد، سرکوب آزادی‌ها و ناکارآمدی حکمرانی، موجب بی‌ثباتی سیاسی و درنهایت گسترش بحران اجتماعی می‌شود.

۴. مؤلفه‌های گروه مخالف سیاسی خارج کشور به همراه گروهک‌های جدایی طلب (دخالت و حمایت کشورهای بیگانه): بحران اجتماعی اغلب با کاهش همبستگی میان افراد و گروه‌های اجتماعی همراه است. حس اعتماد و همکاری که برای انسجام جامعه ضروری است، ممکن است جای خود را به بی‌اعتمادی، رقابت و انزوا بدهد. در هنگام بحران اقتصادی، برخی افراد تنها به فکر منافع شخصی خود می‌افتند و دیگران را در اولویت قرار نمی‌دهند و در این برهه اقدامات و فعالیت‌های گروهک‌های جدایی طلب شروع می‌شود.

۵. بی‌عدالتی اجتماعی و تبعیض (عدم مدیریت داخلی): عدم پاسخگویی به تقاضاهای مشروع اقشار مختلف جامعه، فساد دولتی، بی‌عدالتی، فقر، بیکاری، گرانی، تورم، اختلاف

طبقا، انباشت مطالبات مردمی، نادیده گرفتن مطالبات مردمی و... برآمده از مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی، صنفی به همراه دوره گذار منجر به ناآرامی‌های خیابانی می‌گردد. این ناآرامی‌ها پدیده‌های امنیتی نیستند، بلکه منعکس کننده مطالبات مردمی هستند از منظر کارکردی همانند صوت دیگر زودپز عمل می‌کند و مانع از انفجار جامعه می‌شود؛ بنابراین از آنجا بنیان دولت‌ها بر پایه رضایت مردم تحت حکومت است برای ایجاد ثبات همواره باید از برخورد جدی میان مردم و دولت احتراز کرد.

۶. مدیریت و حمایت خارجی: در جوامع امروزی با روند جهانی شدن، بسیاری از بحران‌های اجتماعی قابلیت گسترش به فراتر از مرزهای یک کشور را دارند. دخالت‌های دیگر کشورها و دولت‌ها، بحران‌های زیست محیطی، مهاجرت و مسائل اقتصادی نمونه خوبی از این مؤلفه هستند؛ مانند مهاجرت ناشی از جنگ یا بحران آب و هوا که باعث منازعات منطقه‌ای می‌شود.

مؤلفه‌های بحران اجتماعی

مؤلفه‌های بعد اقتصادی

رتبه	مؤلفه
۱	عدم مدیریت داخلی
۲	تحریم‌های اقتصادی

مؤلفه‌های بعد سیاسی

رتبه	مؤلفه
۱	عدم مدیریت، احزاب، دولت، اپوزسیون داخل کشور
۲	اپوزسیون خارج کشور به همراه گروه‌های جدایی طلب
۳	دخالت و حمایت بیگانگان

مؤلفه‌های بعد اجتماعی فرهنگی

رتبه	مؤلفه
۱	عدم مدیریت داخلی
۲	حمایت و دخالت خارجی

شاخص‌های بحران‌های اجتماعی

بحران اجتماعی یک وضعیتی است که طی آن جامعه دچار اختلال در نظم، ساختارها و عملکرد نهادهای خود می‌شود. شاخص‌های بحران اجتماعی به مجموعه عوامل و مشخصه‌هایی اشاره دارند که خبر از وجود بحران یا شدت یافتن آن می‌دهند. این شاخص‌ها به ما امکان تشخیص و تحلیل وضعیت بحرانی یک جامعه را می‌دهد.

* عدم شکل‌گیری اقتصاد اسلامی

* تورم، بیکاری، گرانی به همراه نابرابری و اختلاف طبقاتی

* عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات

* اقتصاد تک‌قطبی

* نوسانات قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی

* اعتراضات و اعتصابات صنفی

* فساد ناشی از دورزدن تحریم‌ها (واسطه‌گری) و ...

* افزایش هزینه‌های ناشی از دورزدن تحریم

* تورم، بیکاری و گرانی: در بحران اجتماعی شکاف میان طبقات مختلف اقتصادی عمیق‌تر می‌شود. افزایش فقر و نابرابری به عنوان شاخص مهمی برای بروز و گسترش بحران به حساب می‌آید؛ مانند رشد بی‌عدالتی در دسترسی به منابع، کاهش قدرت خرید و فقر گسترده. همچنین یکی دیگر از شاخص‌های کلیدی بحران اجتماعی، رشد بیکاری در میان افراد جامعه است. بیکاری باعث تضعیف اعتماد عمومی و ایجاد فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر خانواده‌ها و افراد می‌شود؛ مانند افزایش تعداد کسانی که به دنبال کار هستند و کاهش فرصت‌های شغلی.

* عدم شکل‌گیری گفتمان اسلامی در سیاست، ساختارها و سازمان‌ها

* ضعف در شایسته‌سالاری و نخبه‌سالاری

* فساد دولتی و اداری

* سلب اعتماد مردم از سیاسیون

* سیاست‌های ناصحیح پیرامون اقوام و مذاهب: شاخص مهم در بحران اجتماعی، رشد تضاد و درگیری میان گروه‌های مختلف در جامعه است. این تضادها ممکن است بر اساس قومیت، مذهب، جنسیت، طبقه اقتصادی یا باورهای سیاسی شکل بگیرد؛ مانند کشمکش میان طبقات فقیر و غنی، برخوردهای قومیتی یا اختلافات مذهبی.

* تخریب چهره مسئولین نظام

* تضعیف غرور ملی

* کاهش مشارکت سیاسی: یکی از شاخص‌های بحران اجتماعی کاهش فعالیت‌های جمعی و تمایل به کناره‌گیری از ارتباطات اجتماعی است. افراد کم‌تر در امور جامعه مشارکت می‌کنند و به انزوا و رفتارهای فردگرایانه روی می‌آورند؛ مانند کاهش حضور در انتخابات، فعالیت‌های خیابانی یا گروه‌های کمک‌رسانی.

* شایعه‌سازی

* حمایت مادی و معنوی از گروه‌های جدایی طلب و تروریستی: اگر بحران اجتماعی شدت پیدا کند، می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی منجر شود. این شاخص نشان‌دهنده عدم توانایی دولت در مدیریت مسائل اجتماعی و افزایش فشارهای سیاسی ناشی از نارضایتی عمومی است؛ مانند سقوط دولت‌ها، کودتا یا اعتراضات گسترده سیاسی.

* فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی و فعال نمودن عوامل خود در داخل کشور

* تلاش برای منزوی نمودن ایران

* عدم شکل‌گیری گفتمان اسلامی در حوزه اجتماعی و فرهنگی

* مفاسد و معضلات اجتماعی: بحران اجتماعی معمولاً با رشد رفتارهای خشونت‌آمیز همراه است. احتمال گسترش جرائم در جامعه بالا می‌رود و افراد تمایل بیشتری به رفتارهای ناسازگار، خصمانه یا غیرقانونی پیدا می‌کنند؛ مانند افزایش نرخ سرقت، قتل و رفتارهای پرخاشگرانه.

* مایوس شدن و ناامیدی از آینده: با افزایش یأس و ناامیدی، نارضایتی عمومی افزایش یافته و برگزاری اعتراضات مردمی، نشانه‌ای از وجود بحران اجتماعی است. مردم به طرق مختلف نارضایتی خود را به مسائل اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی نشان می‌دهند؛ مانند تجمع‌های اعتراضی، اعتصاب‌ها و شورش‌ها.

* کاهش اعتماد عمومی: اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه‌های کلیدی برای انسجام جامعه است. در زمان بحران، مردم نسبت به یکدیگر، نهادها و حتی آینده بی‌اعتماد می‌شوند و این مسئله به گسترش بی‌ثباتی منجر می‌شود؛ مانند کاهش اعتماد به دولت، نظام قضایی یا رسانه‌ها.

* کاهش سرمایه و انسجام اجتماعی: در زمان بحران اجتماعی، افراد دچار سردرگمی و خلأ ارزشی می‌شوند. هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تضعیف می‌گردند و رفتارهای غیرمعمول یا خلاف قانون گسترش پیدا می‌کنند؛ مانند افزایش نرخ جرم، فساد یا رفتارهای خودخواهانه.

* تغییر سبک زندگی ایرانی و اسلامی

* افزایش مطالبات عمومی (خواسته‌ها)

* تهاجم فرهنگی

این شاخص‌ها می‌توانند با هم مرتبط بوده و به صورت زنجیره‌ای عمل کنند، به طوری که یک شاخص منجر به تشدید شاخص‌های دیگر شود. برای مدیریت بحران اجتماعی باید روی تقویت نهادها، کاهش شکاف‌ها و افزایش اعتماد عمومی تمرکز کرد.

بعد اقتصادی، مؤلفه عدم مدیریت داخلی

رتبه	شاخص
۱	عدم شکل‌گیری اقتصاد اسلامی
۲	تورم، بیکاری، گرانی، نابرابری و اختلاف طبقاتی
۳	عدم توزیع عادلانه ثروت و امکانات
۴	اقتصاد تک‌قطبی
۵	نوسانات قیمت ارز و سقوط ارزش پول ملی

رتبه	شاخص
۶	اعتراضات و اعتصابات صنفی

بعد اقتصادی، مؤلفه تحریم اقتصادی

رتبه	شاخص
۱	فساد ناشی از دورزدن تحریم‌ها
۲	افزایش هزینه‌های ناشی از دورزدن تحریم‌ها
۳	تورم بیکاری گرانی

بعد سیاسی، مؤلفه دولت، احزاب، اپوزسیون داخل کشور

رتبه	شاخص
۱	عدم شکل‌گیری گفتمان اسلامی در سیاست، ساختارها و سازمان
۲	ضعف در شایسته‌سالاری و نخبه‌سالاری
۳	فساد دولتی و اداری
۴	سلب اعتماد مردم از سیاسیون
۵	جریان‌های پوپولیستی
۶	رقابت‌های غیرسازنده احزاب
۷	تضعیف هویت و بحران هویت
۸	معماهای دفاع و امنیتی
۹	سیاست‌های نادرست پیرامون اقوام و مذاهب

بعد سیاسی، مؤلفه اپوزسیون سیاسی خارج کشور

رتبه	شاخص
۱	تخریب چهره مسئولین نظام
۲	تضعیف غرور ملی
۳	کاهش مشارکت سیاسی
۴	سیاه‌نمایی

شاخص	رتبه
شایعه‌سازی	۵
تحریک مردم	۶

بعد سیاسی، مؤلفه دخالت و حمایت کشورهای بیگانه

شاخص	رتبه
حمایت مادی و معنوی از اپوزسیون و گروه‌های جدایی طلب و تروریستی	۱
جنگ نرم	۲
فعالیت سرویس‌های اطلاعاتی و فعال نمودن عوامل خود در داخل کشور	۳
حمایت مادی و معنوی از پدیده و جنبش‌های اجتماعی ایران	۴
تلاش برای منزوی نمودن ایران	۵

بعد اجتماعی فرهنگی، مؤلفه عدم مدیریت داخلی

شاخص	رتبه
عدم شکل‌گیری گفتمان اسلامی در حوزه اجتماعی و فرهنگی	۱
دوره‌گذار	۲
مفاسد و معضلات اجتماعی	۳
مأیوس شدن/ناامیدی	۴
کاهش اعتماد عمومی	۵
کاهش ضریب ایدئولوژیک	۶
کاهش سرمایه و انسجام اجتماعی	۷

بعد اجتماعی فرهنگی، مؤلفه حمایت و دخالت خارجی

شاخص	رتبه
تغییر سبک زندگی ایرانی اسلامی	۱
ناامیدی	۲
کاهش اعتماد عمومی	۳

رتبه	شاخص
۴	افزایش مطالبات عمومی
۵	تهاجم فرهنگی
۶	استحاله فرهنگی (تزلزل نهاد خانواده، تغییر باورها، ارزش‌ها و آموزه‌های دینی مردم)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمونی (براون و کلارک، ۲۰۰۶) و مصاحبه‌های عمیق با ۱۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران، به شناسایی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی پرداخت و چارچوبی مفهومی برای درک و مدیریت این پدیده ارائه داد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بحران‌های اجتماعی پدیده‌هایی چندبعدی و پیچیده هستند که عمدتاً از اختلال در نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی نشئت می‌گیرند. سه بعد اصلی شناسایی شده شامل بعد اقتصادی (با اولویت نخست)، بعد سیاسی (رتبه دوم) و بعد اجتماعی-فرهنگی (رتبه سوم) است که هرکدام با مؤلفه‌ها و شاخص‌های مشخصی همراه هستند. در بعد اقتصادی، عدم مدیریت داخلی و تحریم‌های اقتصادی به عنوان کلیدی‌ترین مؤلفه‌ها برجسته شدند و شاخص‌هایی چون عدم شکل‌گیری اقتصاد اسلامی، تورم، بیکاری، گرانی، نابرابری طبقاتی و نوسانات ارزی مهم‌ترین نشانه‌های بحران به شمار می‌روند. در بعد سیاسی، ضعف مدیریت داخلی (دولت، احزاب و گروه مخالف داخلی)، فعالیت گروه مخالف خارجی و دخالت بیگانگان مؤلفه‌های اصلی هستند که با شاخص‌هایی مانند فساد اداری، سلب اعتماد عمومی، شایعه‌سازی و تضعیف غرور ملی همراهند. در نهایت، در بعد اجتماعی-فرهنگی نیز عدم مدیریت داخلی و حمایت خارجی مؤلفه‌های غالب بوده و شاخص‌هایی چون عدم شکل‌گیری گفتمان اسلامی، مفاسد اجتماعی، ناامیدی عمومی، کاهش انسجام اجتماعی و تهاجم فرهنگی برجستگی دارند. یافته‌های پژوهش تأکید می‌کند که ریشه بسیاری از بحران‌های اجتماعی در ایران به عوامل داخلی، به‌ویژه عدم مدیریت کارآمد، بازمی‌گردد و عوامل خارجی (تحریم، دخالت و حمایت بیگانگان) اغلب از این ضعف‌ها بهره می‌برند. این امر اهمیت تفکیک دقیق بحران‌های اجتماعی

از مسائل امنیتی را دوچندان می‌کند؛ زیرا ناآرامی‌های اجتماعی اغلب با زتاب مطالبات مشروع مردمی هستند و برخورد امنیتی با آن‌ها می‌تواند تنش‌ها را تشدید کند. مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش، با ارائه ساختاری سلسله‌مراتبی از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، ابزاری عملی برای تحلیل علمی و مدیریت بلندمدت این بحران‌ها فراهم می‌آورد و خلأ موجود در ادبیات پیشین را پر می‌کند.

راه‌حل‌ها و پیشنهادهای کاربردی

برای مدیریت بهینه بحران‌های اجتماعی و پیشگیری از تشدید آن‌ها، پیشنهادهای زیر بر اساس یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود:

۱- تقویت مدیریت داخلی و حکمرانی خوب: اولویت نخست باید بر اصلاح ساختارهای مدیریتی، افزایش شفافیت، مبارزه جدی با فساد و شایسته‌سالاری قرار گیرد. نهادهای حکومتی می‌توانند با تدوین برنامه‌های میان‌مدت برای کاهش نابرابری‌ها و بیکاری، اعتماد عمومی را بازسازی کنند.

۲- توسعه اقتصاد مقاومتی و اسلامی: حرکت به سوی توزیع عادلانه ثروت، کاهش وابستگی به اقتصاد تک‌قطبی، کنترل تورم و گرانی و تقویت تولید داخلی می‌تواند اثرات تحریم‌ها را خنثی کرده و شکاف طبقاتی را کاهش دهد.

۳- تقویت گفتمان اسلامی در همه ابعاد: شکل‌گیری گفتمان اسلامی در سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع از طریق آموزش، رسانه و نهادهای فرهنگی، می‌تواند انسجام اجتماعی را افزایش داده و در برابر تهاجم فرهنگی مقاومت ایجاد کند.

۴- ظرفیت‌سازی اجتماعی و مشارکت مردمی: افزایش آگاهی عمومی، توانمندسازی جوامع محلی، شنیده شدن مطالبات مشروع از طریق مجاری قانونی و پرهیز از سرکوب اعتراضات صنفی، می‌تواند ناآرامی‌ها را به فرصتی برای اصلاح تبدیل کند.

۵- رویکرد پیشگیرانه به جای واکنشی: سیاست‌گذاران باید شاخص‌های هشداردهنده (مانند نرخ بیکاری، کاهش اعتماد عمومی و افزایش مفاسد اجتماعی) را به طور مداوم پایش کنند و با اقدامات پیشگیرانه، از ورود عوامل خارجی به بحران‌های داخلی جلوگیری نمایند.

۶- تقویت انسجام ملی و هویت ایرانی-اسلامی: برنامه‌ریزی برای کاهش شکاف‌های قومی، مذهبی و طبقاتی، تقویت غرور ملی و مقابله هوشمندانه با جنگ نرم و شایعه‌سازی، سرمایه اجتماعی را ارتقا خواهد داد.

درنهایت، این پژوهش گامی مهم در جهت درک علمی بحران‌های اجتماعی برداشته و نشان داد که با تمرکز بر اصلاحات داخلی و مدیریت کارآمد، می‌توان تنش‌های اجتماعی را کاهش داد، انسجام ملی را تقویت کرد و زمینه‌ای برای توسعه پایدار فراهم آورد. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آتی با رویکردهای کمی و پیمایشی گسترده‌تر، راه‌حل ارائه‌شده را اعتبارسنجی و عملیاتی کنند تا سیاست‌گذاری‌های دقیق‌تری مبتنی بر آن تدوین شود.

جدول سؤالات مصاحبه

شماره	شاخص	مؤلفه	بُعد	عبارت
۱	ناتوانی مال	فقر	اقتصادی	احساس می‌کنم درآمد ناتوانی مالی برای تأمین نیازهای اساسی کافی نیست.
۲	ناپایداری شغلی	بیکاری	اقتصادی	در سال گذشته حداقل یک عضو خانواده بیکار بوده است.
۳	بی‌هویتی فرهنگی	تعارض ارزشی	فرهنگی	ارزش‌های سنتی در جامعه ما در حال تضعیف شدن هستند.
۴	تعبیر سبک زندگی	گسست نسلی	فرهنگی	احساس می‌کنم نسل جوان از فرهنگ و هویت جامعه فاصله گرفته‌اند.
۵	ضعف مشروعیت	بی‌اعتمادی	سیاسی	به نهادهای حکومتی اعتماد ندارم.
۶	فشار مالی	آموزش	اقتصادی	درآمد خانواده‌ام برای تأمین هزینه‌های آموزش کافی نیست.
۷	بی‌هویتی فرهنگی	تعارض ارزشی	فرهنگی	ارزش‌های سنتی در جامعه ما در حال تضعیف شدن هستند.
۸	تغییر سبک زندگی	گسست نسلی	فرهنگی	احساس می‌کنم نسل جوان از فرهنگ و هویت جامعه فاصله گرفته‌اند.
۹	تهاجم فرهنگی	رسانه	فرهنگی	رسانه‌ها باعث تضعیف باورهای فرهنگی شده‌اند.
۱۰	تغییر الگوها	سبک زندگی	فرهنگی	احساس می‌کنم فرهنگ مصرف‌گرایی در جامعه گسترش یافته است.
۱۱	گسست عاطفی	خانواده	فرهنگی	روابط خانوادگی در جامعه دچار سردی و فاصله شده‌اند.
۱۲	ضعف ارزش‌ها	اخلاق اجتماعی	فرهنگی	اخلاق اجتماعی در جامعه کاهش یافته است.
۱۳	ضعف مشروعیت	بی‌اعتمادی	سیاسی	به نهادهای حکومتی اعتماد ندارم.
۱۴	نبود مشارکت	ناراضیتی	سیاسی	احساس می‌کنم صدای مردم در تصمیم‌گیری‌ها شنیده نمی‌شود.
۱۵	ضعف اعتماد عمومی	دموکراسی	سیاسی	انتخابات در کشور ما شفاف و عادلانه نیست.
۱۶	فاصله با جامعه	پاسخگویی	سیاسی	مسئولان به مشکلات و انتقادات مردم پاسخ نمی‌دهند.
۱۷	محدودیت اطلاعاتی	آزادی بیان	سیاسی	رسانه‌های رسمی واقعیات جامعه را منعکس نمی‌کنند

شماره	شاخص	مؤلفه	بُعد	عبارت
۱۸	بی‌عدالتی ساختاری	فساد	سیاسی	احساس می‌کنم فساد در سطوح بالای حکومت وجود دارد.
۱۹	کاهش امید	افسردگی جمع	اجتماعی	اغلب احساس ناامیدی نسبت به آینده دارم.
۲۰	انزوای روان	بیگانگی اجتماعی	اجتماعی	احساس می‌کنم جامعه به من تعلق ندارد.
۲۱	ترس و نگرانی	اضطراب اجتماعی	اجتماعی	در جامعه احساس امنیت روانی نمی‌کنم.
۲۲	کاهش تعامل	انزوا	اجتماعی	روابط اجتماعی مردم سرد شده‌اند.
۲۳	ضعف ارتباط	اعتماد اجتماعی	اجتماعی	احساس می‌کنم دیگر نمی‌توان به دیگران اعتماد کرد.
۲۴	کاهش رشادت	عزت نفس اجتماعی	اجتماعی	در جامعه احساس عزت و افتخار نمی‌کنم.
۲۵	ناامنی اجتماعی	خشونت	اجتماعی	خشونت‌های خیابانی در اطرافم افزایش یافته است.
۲۶	کاهش حمایت	همبستگی	اجتماعی	افراد جامعه کمتر به یکدیگر کمک می‌کنند.
۲۷	بحران شخصیت	هویت	فرهنگی	احساس می‌کنم جوانان دچار بحران هویت هستند.
۲۸	ضعف عملکرد	مدیریت بحران	سیاسی	مسئولان در برابر بحران‌ها واکنش مناسبی ندارند.
۲۹	فرار نخبگان	مهاجرت	اقتصادی	مهاجرت افراد تحصیل کرده از کشور افزایش یافته است.
۳۰	بحران ارزش‌ها	اخلاق عمومی	فرهنگی	احساس می‌کنم ارزش‌های اخلاقی در جامعه فروپاشی کرده است.

منابع:

- باری بوزان. (۱۳۹۹). مردم، دولت‌ها و هراس؛ مترجم محمدعلی قاسمی، تهران: نشریه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پوراحمد، احمد و همکاران. (۱۳۹۵). مدیریت بحران در ایران. انتشارات دانشگاه تهران.
- خان محمدی، سهراب؛ معمارزاده، غلامرضا و وفادار، حسن. (۱۳۸۹). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های بحران انتظامی. فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی.
- خبرگزاری قرآن، ایگنا، مدیریت بحران در قرآن، iqna.
- رضایی، ناصر. (۱۴۰۰). جهاد دانشگاهی، دفتر مطالعات فرهنگی.
- رضایی، مسعود. (۱۴۰۱). بحران آب دوراهی اجتماعی، نشریه علوم و مهندسی آب و فاضلاب.
- ساوه‌درودی، مصطفی و م حدادی، محمد. (۱۳۷۲). مدیریت بحران مفاهیم، الگوها و نظریه‌ها.
- ساوه‌درودی، مصطفی. (۱۳۹۰). راهبردهای سازمانی در مدیریت بحران، تهران: دانشکده فارابی.
- ساوه‌درودی، مصطفی و عسگری، شاداب. (۱۳۹۲). زمینه‌های بروز بحران‌های اجتماعی، چپستی و چگونگی، فصلنامه اطلاعاتی حفاظتی جامعه اطلاعاتی، تهران.
- سلیمی، اکبر. (۱۳۹۳). نشریه پژوهش‌های مدیریت انتظامی، شماره ۳.
- صالحی نوذر اسما؛ یعقوبی، نورمحمد و کیخا، عالمه. (۱۴۰۰). نشریه مدیریت بحران ظرفیت‌سازی جوامع محلی در مدیریت بحران اجتماع محور.
- طرهانی، نعمت. (۱۳۹۸). ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بحران‌های اجتماعی، نشریه پدافند غیرعامل.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۰). کارکردهای تعارض اجتماعی. ترجمه محمدصادق صنیعی پور. انتشارات نی.
- ولد بیگی، برهان‌الدین و پورحیدری، غلامرضا. (۱۳۹۲). برنامه‌ریزی بحران، تهران: آروپج ایرانیان.
- ولد بیگی، برهان‌الدین. پورحیدری، غلامرضا: ۱۳۹۱، مدیریت جامع بحران، تهران: آروپج ایرانیان.
- Giddens, A. (2009). Sociology.
- Castells, M. (2010). The Power of Identity.